مقصود فراستخواه رفتارشناسی شهروندان را بررسی کرد

انتخابات ۹۲، بازی «برد-برد»

آمنه شیرافکن

آرای انتخابات ۲۴ خرداد ۹۲، نه‌تنها تحلیلگران ایرانی که رسانه‌ها و تحلیلگران جهان را متحیر ساخت. چنانچه هنوز بسیاری از تحلیل‌ها بر مدار بررسی رفتار مردم ایران در انتخابات اخیر ریاست‌جمهوری متمرکز است. در همین زمینه پای صحبت‌های مقصود فراستخواه نشسته‌ایم، او سال‌هاست که پیرامون خلق‌وخوی ایرانی مطالعه کرده و به تازگی نیز دوره «خلقیات ایرانی» را در موسسه رخداد تازه برگزار کرده. فراستخواه جامعه‌شناس است و عضو هیات علمی موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی. تحصیلات دانشگاهی‌اش در رشته‌های فلسفه، الهیات و برنامه‌ریزی توسعه آموزش عالی بوده و اغلب مشغول کارهای پژوهشی است.

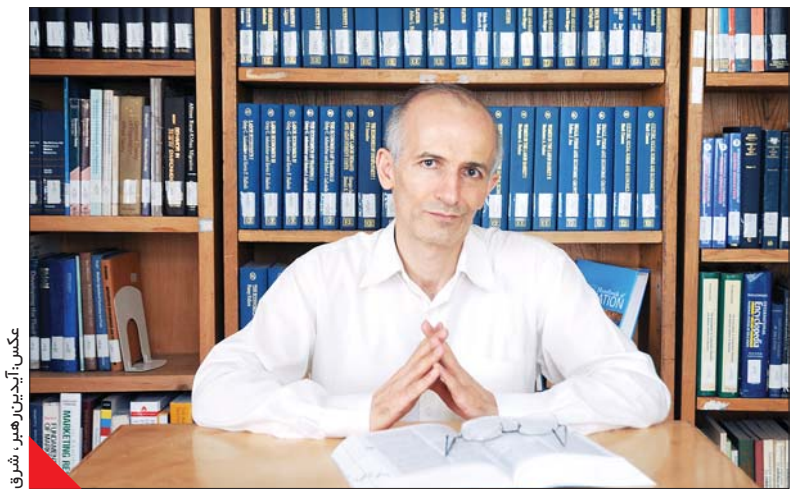

عکس: آیدین رهبر، شرق

حضور مردم و رای حداکثری به حسن روحانی، خیلی‌ها را متعجب ساخت و دوباره گزاره پیش‌بینی‌ناپذیر بودن مردم را بر سر زبان‌ها انداخت. آیا واقعا ملت ایران پیش‌بینی‌ناپذیرند؟

به نظرم بهتر است دو سطح بحث از هم تفکیک شود؛ یکی رفتار خاص انتخاباتی اکثریت جامعه در ۲۴خرداد ۹۲ و دیگری خلقیات ایرانیان به معنای عام آن است. تصور می‌کنم از یک رفتار انتخاباتی، منطقا نمی‌توان استنباط‌های گسترده به عمل آورد و مثلا منطقی نیست که به تکلف از یک نتیجه انتخاباتی، «مدل شخصیت ایرانی» بیرون بکشیم. در این انتخابات، چندان هم امر غیرعادی و نامتعارف روی نداده است. گروه‌هایی کثیر چون از عملکردهای ناموفق و ادبیات تنش‌زای چند سال گذشته، به شدت نگران شده‌اند، ناچار به منتقدان آنها روی آوردند تا بلکه به این طریق خود و فرزندان خود را هم از مخاطراتی مثل تحریم و فشار اقتصادی و تهدیدهای خارجی و هم تاحد ممکن از محدودیت‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی مشکل‌ساز داخلی برهانند. اگر بسیاری از تحلیلگران نتوانستند این رفتار انتخاباتی را پیش‌نگری کنند به معنای قابل‌پیش‌بینی نبودن مردم نیست. بلکه ناشی از فقدان اطلاعات تحلیلگران است.

در کشوری که سازمان‌های پژوهشی و حرفه‌ای مستقل برای پیمایش‌ها و افکارسنجی‌ها وجود ندارد و فضای عمومی کافی برای بحث وگفت‌وگوی آزاد نیست، تحلیل رفتارهای سیاسی و گمانه‌زنی درباره آنها نیز لابد سخت خواهد بود. در عین حال قابل تصور بود که وقتی بسیاری از منتقدان امکان حضور ندارند، تنها معتدل‌های درون نظام شانس خواهند داشت که به میان بیایند و با جریان‌های تندرو احتجاج کنند و آرای مردم را به طرف خود سوق دهند. چنین هم شد. در همه جای دنیا مردم وقتی از عملکرد یک جریان خسته می‌شوند، رو به جریان مخالف می‌کنند. این یک سطح بحث شماست.

درباره این موضوع که آیا واقعا ملت ایران پیش‌بینی‌ناپذیرند؟ نظرتان چیست؟

بله این همان سطح دوم بحث است که آیا مردم این سرزمین غیرقابل پیش‌بینی هستند. تصور می‌کنم تا حد زیادی بله. چون چاره‌ای جز این ندارند. بسیاری از رفتارهای اجتماعی و سیاسی در ایران، بناگزیر، نوعی مدل بازی قایم باشکی است: «قایم باش که گربه شاخت نزنه، سر به سوراخت نزنه... ». تاریخ پرحادثه، ناامنی‌های مزمن تاریخی، پراکندگی سرزمینی و مانند آنها سبب شده تا پنهانکاری و رفتارهای چندگزینه‌ای و اقتضایی و غافلگیرکننده در این جامعه رواج پیدا کرده و ریشه بدواند. پس آموزه‌هایی از این دست، بی‌خود نیست که: «سه چیز را پوشیده بدار؛ کجا می‌روی، چقدرداری و به چه قایلی»! (اُستر ذهَبک و ذهابک و مذهبک). همین‌طور ضرب المثل‌هایی مانند دیوار موش دارد و موش گوش دارد.

بنابراین طبیعی است که مردم آرای خود را نیز شفاف بیان نکنند. مثلا در محیط کار و اداره و کوچه و بازار یک‌جور صحبت کنند و در دل، چیزی دیگر داشته باشند یا در ۹۰ دقیقه آخر از سر ناچاری چنین و چنان کنند. فراموش نکنیم که به قول آماری‌ها، درجه آزادی ما هم زیاد نیست. آمارتیاسن می‌گوید توسعه به معنای گسترش و تنوع افق‌های انتخاب شهروندان است و چون ما از بسیاری جهات هنوز با مشکل توسعه‌نیافتگی نهادها و ساختارها دست به گریبان هستیم، باید میان یکی، دو گزینه محدود دست به انتخاب بزنیم. ما در یک شرایط تا حد زیادی بی‌قاعده زندگی می‌کنیم و طبیعی است که رفتارهایمان چندان تابعی از نظم‌های قاعده‌مند متعارفی نخواهد بود که از جوامع توسعه‌یافته دارای زیرساخت‌های پایدار انتظار می‌رود.

مردم ایران سال ۷۶ انفجاری از مشارکت سیاسی را به منصه ظهور گذاشت، این مشارکت در سال ۸۰ کمتر و ۸۴ سمت‌وسویی متفاوت یافت. حالا در انتخابات سال ۹۲ شاهد بازگشت آرای مردم هستیم، این سیکل را چطور می‌توان تحلیل و ارزیابی کرد؟

دوم خرداد ۷۶ یک انفجار تصادفی نبود بلکه نتیجه تحولات جمعیتی، تحول در قشربندی اجتماعی و تحولات اقتصادی و رسانه‌ای و تحصیلاتی و درآمدی و غیر آن در طی سال‌های پس از جنگ تحمیلی و دوره کاریزما بود. همچنین نتیجه حداقل حدود یک دهه کار و کنش فکری، فرهنگی، اجتماعی و آموزشی بود. بخش‌های درخور توجهی از گروه‌های اجتماعی و قشرهای مردم به طور جد به گشایش اقتصادی، تنوع فرهنگی، مبادله آگاهی، شادی و مشارکت سیاسی و اجتماعی احساس نیاز می‌کردند. شور و شوق ۷۶ فورانی از این نیازها بود. بعدها از یک‌سو به سمت رفتارهای هیجانی و انواع سرخوردگی‌ها سوق یافت و از سوی دیگر پس زده شد و از سال ۸۴ به حالت نیمه‌خاموش در نهانگاه اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و مدنی این جامعه وارد حیات در حال کمون و نیمه‌رمق خود شد و طبیعی است با هرفرصتی می‌خواهد خود را به شکلی دیگر عیان و بیان کند. یک شکل از آن را در انتخابات قبلی دیدیم و شکلی تعدیل‌شده را در انتخابات ۹۲ و متعاقب آن، کارناوال‌های خیابانی راهیابی به جام‌جهانی را می‌بینیم.

آیا در این میان می‌توان الگوی خاصی از خلق‌وخوی سیاسی مشاهده کرد؟

به نظرم آنچه در باب خلقیات ایرانی در این نوع فرهنگ سیاسی مشهود است، هیجان‌پذیری بالا و نفوذ شدید عناصر احساسی و عاطفی در رفتار غالب ما است. در همه جای دنیا، رفتارهای بشر یکسره عقلانی و تحلیلی نیست و ابعاد عاطفی و شهودی و نقش خیال با خود دارد اما در فرهنگ ما سهم احساس و عنصر هیجان، قدری بیشتر از حد متوسط است. این هم دور از انتظار نیست. در جوامعی که ثبات و پایداری و قواعد متعارف مدنی و سپهر عمومی وجود دارد، طبیعی است که گفت‌وگوها و مناقشات به صورت تدریجی برگزار می‌شوند و از فشار آنها در حوضچه‌های مدنی کاسته می‌شود و فرصت‌های کافی برای خردورزی جمعی و تحلیل و تأنی فراهم می‌آید. اما وقتی چنین امکان‌هایی به قدر کافی نیست، زنجیره منطقی امور بر هم می‌خورد و راه‌های میان‌بُر و رفتارهای آنی و هیجانات دوره‌ای شدید جای آن را می‌گیرد. فرهنگ سیاسی ما هم دوری از تناوب سرخوردگی‌ها و سربرآوردن‌ها می‌شود. یک زمان مردم به صورت ذره‌ای به لاک خود می‌روند و می‌گویند بگذارید زندگی کنیم و و زمانی دیگر به صورت توده‌وار بیرون می‌ریزند، مطالبات «پس‌زده‌شده و تاخیری» آنان با امواجی پوپولیستی فوران می‌کند و کسانی بر این امواج سوار می‌شوند.

تحلیل‌های مختلفی برای رفتارشناسی جامعه ایرانی از سوی نظریه‌پردازان سیاست و جامعه‌شناسی مطرح شده، «همایون کاتوزیان»، ایران را جامعه کوتاه‌مدت خوانده، آیا به واقع تحلیل سیاسی چهار دهه کنش سیاسی ایران معاصر را می‌توان به مدل جامعه کوتاه‌مدت او تحلیل کرد؟

بله عنصر پایداری و انباشت در تحول و توسعه ایران بسیار اندک است. چون روندها کمتر به شکل منظم و قاعده‌مند پیش می‌روند، رفتارها نیز موسمی و گاهی با فرودوفرازهای دوره‌ای ظاهر می‌شوند. البته هیچ کجای عالم، مسیرهای اجتماعی کاملا خطی نیستند اما در ایران معمولا گسست‌ها شدید بودند. گویا یکی از علل مشکلات توسعه در ایران معاصر نیز همین فقدان تداوم و انباشت بوده است.

اگر بخواهم با تئوری بازی‌ها، عرضم را برسانم، در بازی‌های ما سه خصوصیت بارز بود: ۱. بی‌تقارنی، ۲. مجموع صفر داشتن و ۳. ناپیوستگی. نخست، بازی‌هایمان عمدتا از نوع بازی‌های نامتقارن بودند. دوم، بازی‌هایی با مجموع صفر بودند که یک طرف می‌خواست برنده قاطع باشد و طرف دیگر را بازنده کامل می‌خواست. تنها در بازی‌های با مجموع غیرصفر است که راهبردهایی امکان‌پذیر می‌شود که تمام طرف‌های بازی بتوانند مطلوبیت‌هایی نسبی کسب کنند. اینجاست که بازی‌ها از نوع «برنده – برنده» می‌شوند. در بازی‌های «برد- برد» برخلاف بازی‌های «برد-باخت» یا بازی‌های «باخت- باخت» تمام طرف‌های بازی می‌توانند در یک نقطه تعادل، مطلوبیت‌های خودشان را به شکل میانگین دنبال کنند. یعنی یک نقطه تعادل وجود دارد که در آنجا همه بازیگرها منافع خودشان را به طور متوسط بهینه می‌کنند. سوم، بازی‌هایمان بیشتر از نوع ناپیوسته بودند و از قواعد منظم چندانی پیروی نمی‌کردند. همه اینها منشأ بی‌قاعدگی، فقدان شفافیت و پیش‌بینی‌ناپذیری می‌شدند. خانم «سیو لینیو» کتابی را در سال ۲۰۰۰ منتشر کرد با عنوان «چهره فرّار ایران». ایشان در این کتاب می‌گوید مردم ایران هرگز خودشان را به آسانی آشکار نمی‌کنند.

سریع‌القلم نیز به‌عنوان یکی دیگر از تحلیلگران ویژگی خلق‌وخوی ایرانیان، خیلی از رفتارها را ذاتی تفسیر کرده از جمله به ژن استبدادی اشاره دارد. تحلیل شما درباره چنین تقسیم‌بندی‌ها و تحلیل‌هایی از رفتار ایرانیان چیست؟ البته چلپی نیز در کتابی ویژگی‌های روانشناسی ایرانیان را جمع‌بندی کرده و معتقد است خلق‌وخوی ایرانی ترکیبی از درویش و لوتی است.

تصور نمی‌کنم که منطقا بشود خلق وخوی مردم یک جامعه را ذات‌باورانه توضیح داد. نه همه ابعاد مختلف خلقیات مردمانی را می‌شود به یک صفت فروکاست و نه به مراتب درست است که این صفت را ذاتی آن مردم قلمداد کنیم.

خلق‌وخوی مردمان یک جامعه، الگوهای آموخته‌ای است که در ادوار و زمان‌ها از طریق تعامل جامعه با محیط شکل می‌گیرد. خلق‌وخوی مردمان (خوب یا بد) ثابت و ذاتی نیست و هرچند هم به کندی بوده باشد به‌هرحال می‌تواند تغییر و تحول پیدا کند. مردم می‌توانند یادبگیرند طور دیگر رفتار کنند. این برمی‌گردد به نوع تجربه‌های آنها و کنشگران اجتماعی آنها.

هر فرهنگ حاوی کدهای اطلاعاتی است که گاهی از آن به «مم» (در برابر ژن) تعبیر شده است. مم‌ها اطلاعات و رمزهایی هستند که به هنجارها و رفتارها ترجمه می‌شوند. مم‌ها از رهگذر تجربیات تاریخی و در تعامل مردمان یک جامعه با محیط و مناسبات شکل می‌گیرند. مثلا اگر گفته می‌شود در یک فرهنگ، مم خشونت وجود دارد، توضیحش این است که حاوی نگرش‌ها و الگوهای رفتاری است که در ذهنیت جمعی جریان می‌یابند و منشأ بازتولید خشونت می‌شوند. مثلا نحوه حل‌کردن اختلافات آنها با مشاجرات تند، برچسب‌زنی، حذف و غارت صورت می‌پذیرد.

این به آن معنا نیست که مردمانی ذاتا خشن و مردمانی دیگر ذاتا مهربان هستند. از طریق یادگیری‌های اجتماعی و بسترسازی‌ها و ظرفیت‌سازی‌ها و فراهم‌آمدن زمینه‌های مناسب، به تدریج نگرش‌ها و ارزش‌ها و هنجارهای مردمان متحول می‌شود. مثلا هیجان‌پذیری بالا در یک جامعه از طریق ایجاد حوضچه‌های آرامش مدنی و اجتماعی و قانونمندی‌های گردش قدرت و گفت‌وگو و بسترهای مناسب حل رضایت‌بخش و مسالمت‌آمیز مناقشات اجتماعی قابل اصلاح است. همین‌طور است که درویش‌مسلکی یا روحیه استبدادپروری و مانند آن که همه از رهگذر عمل اجتماعی و اصلاحات و آموزش‌ها و زمینه‌سازی‌ها، قابل تغییر هستند.

رفتارهای خوب به ساختارهای خوب نیاز دارند و به نوبه خود منشأ توسعه ساختارها نیز می‌شوند. ساختارها چیزهایی نیستند که از اول وجود داشته باشند، بلکه هرجامعه از رهگذر کنش‌ها و تعاملات گروه‌های اجتماعی، ساختاربندی می‌شود؛ بد یا خوب. متفکران، کنشگران اجتماعی و فرهنگی و سیاسی، نویسندگان، هنرمندان، معلمان و استادان و نهادهای مدنی و سازمان‌های غیردولتی و شبکه‌های اجتماعی، همه و همه می‌توانند با اعمال و افکار و با تولید معنا، تولید رابطه و با گفتمان‌سازی و زمینه‌سازی، به ساختاربندی مطلوب ایران فردا برای تسهیل رفتارهای بهتر و خلقیات سازنده‌تر کمک کنند.

نحوه بسیج طبقه پایین، برای رو آوردن به نامزدهای ریاست‌جمهوری در چه چارچوب و قواعدی قابل شناسایی است؟ الگوی رای دهی طبقه پایین در انتخابات چطور تغییر کرد؟

رفتار انتخاباتی مردم جزوی از رفتار سیاسی و اجتماعی آنهاست. این رفتار تحت‌تاثیر نقشه‌هایی است که شهروندان و قشرها و گروه‌های اجتماعی برای زیستن در این سرزمین دارند.

ادامه در صفحه ۱۴

نگاه بیرون

آیا می‌توان مانع ایران شد؟

The Economist

ترجمه: فرنگیس بیات

● ایران مشکلات اقتصادی متعددی را تجربه می‌کند که کاهش صدور نفت ایران در ماه می(اردیبهشت)، بسته‌شدن کارخانه‌ها، بیکاری و تورم از جمله آنهاست. با این‌حال پنجه‌های «شیر پارسی» هنوز به بند کشیده نشده است. آقای روحانی نماینده اصلاح‌طلبانه‌ترین گرایش در میان نامزدهای ریاست‌جمهوری بود. مقایسه روحانی با دیگران از اساس، قیاس مع‌الفارق است، او از چهره‌های معتمد نظام است و از آغاز شکل‌گیری نظام، مسوولیت‌های حساسی را همچون دبیر شورایعالی امنیت ملی برعهده داشته است. با این حال، سیاست‌های ایران احتمالا کمتر از آنچه در ابتدا به نظر می‌رسید، تغییر خواهد کرد و (بدین‌ترتیب) توازن قوا میان ایران و دنیا (غرب) به دو دلیل به نفع ایران تغییر خواهد کرد. اول، با توجه به سرمایه‌گذاری‌های سنگین در توانمندی هسته‌ای و با وجود تلاش‌های خرابکارانه و تاخیرساز غرب و اسراییل در برنامه هسته‌ای ایران، این کشور برنامه خود را ادامه داده است. ایران توانسته است بیش از ۹هزار سانتریفیوژ جدید را در کمتر از دو سال به‌کار بیندازد و توان غنی‌سازی خود را دو برابر کند. این باعث شده است تا تمام سیاست‌های غرب در رابطه با ایران بی‌معنا شود؛ مذاکره پس از مذاکره و تلاش‌های متناوب برای متقاعدکردن ایران عملا با این پیش‌فرض، مورد حمایت قرار می‌گیرد که ایران را از دسترسی به بمب اتمی باز دارد؛ تهدیدی تلویحی که اگر مذاکرات شکست بخورد، متوسل به نیروی نظامی خواهد شد. اما اکنون به‌نظر می‌رسد که ایران به‌زودی از نقطه«بی‌بازگشت» عبور خواهد کرد. در مقابل چنین پیش‌زمینه‌ای، رییس‌جمهور منتخب ایران برای غرب می‌تواند هم تهدید و هم فرصت باشد. او احتمالا ابتکار جدیدی را برای برقراری روابط بهتر، ایجاد تعهد جدید و رفع تحریم‌ها طرح خواهد کرد. اما ایران می‌تواند از این فرآیند «آرام و ناگزیر» استفاده کند و توان غنی‌سازی خود را گسترش دهد. تحول دیگری که موجب تهدید منافع غرب خواهد شد، در اطراف ایران در حال وقوع است. با وجود مشکلات اقتصادی ایران، این دولت در منطقه نفوذ و قدرت دارد. حکومت عراق متحد ایران است. با حزب‌الله لبنان رابطه دارد و در سوریه دارای نفوذ بسیاری است. بسیاری معتقدند دلیل «باراک اوباما» برای تسلیح مخالفان اسد، کاربرد تسلیحات شیمیایی است، اما بسیاری دیگر بر این باورند که دلیل مهم‌تر این است که دولت اسد به تهران نزدیک است. با این همه شاید آمدن روحانی نویدبخش وضعیت عملگرایانه‌تر و مصالحه‌جویانه‌تری در سیاست خارجی ایران باشد. رییس‌جمهور جدید مذاکره‌کننده اصلی پرونده هسته‌ای بوده و در جریان مبارزات انتخاباتی هم، به ارتباط میان مشکلات اقتصادی ایران و تحریم‌ها اشاره کرده است و خواستار رابطه بهتری با غرب شده بود. غرب هم متقابلا باید در ازسرگیری روابط، تلاش کند و نشان دهد هیچ انگیزه‌ای برای مختل کردن توسعه صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای ایران ندارد و درعین‌حال برای پیشبرد مذاکرات با تهران تلاش می‌کند. اما غرب باید این سیاست را بسیار محتاطانه جلو ببرد: هر بسته پیشنهادی به ایران باید شامل محدودیت‌های سفت و سخت و بازرسی‌های سرزده به اندازه کافی باشد. اما وضعیت مخاطره‌آمیز این است که ممکن است چنین پیشنهادی اساسا هیچ جاذبه‌ای برای ایران نداشته و برای این کشور، غیرقابل پذیرش باشد.

دیپلماسی

پاسخ روحانی به پیام تبریک سه رییس‌جمهور

● **تسنیم:** حجت‌الاسلام حسن روحانی، رییس‌جمهور منتخب به پیام‌های تبریک روسای‌جمهور روسیه، ارمنستان و بوسنی و هرزه‌گوین پاسخ داد. او در پاسخ به پیام تبریک «ولادیمیر پوتین» رییس‌جمهوری فدراسیون روسیه، تاکید کرده است: روابط با روسیه به عنوان یک کشور بزرگ و همسایه در سیاست خارجی ایران دارای جایگاه ویژه‌ای است و در دولت یازدهم از اهمیت بالایی برخوردار خواهد بود. رییس‌جمهوری منتخب همچنین در پاسخ به پیام تبریک «سرژ سرکیسیان» رییس‌جمهوری ارمنستان با بیان اینکه از طریق تفاهم، ایجاد اعتماد و احترام متقابل روابط با ارمنستان را گسترش خواهیم داد، اظهار امیدواری کرده است تلاش‌های دو طرف موجب ارتقای روابط در تمامی عرصه‌ها شود. روحانی در پاسخ به پیام تبریک «باقر عزت بگوویچ» رییس‌جمهوری بوسنی و هرزه‌گوین هم اظهار داشته است روابط با جمهوری بوسنی و هرزه‌گوین از بدو تاسیس با اعتماد عمیق دوجانبه دولتی و مردمی همراه بوده و آینده‌ای پایدار خواهد داشت و بر اراده دولت یازدهم برای تحکیم و گسترش هرچه بیشتر این روابط تاکید می‌کنم.

ابراز امیدواری تهران به توقف خشونت‌ها در سوریه

● **مهر:** معاون عربی و آفریقای وزارت امور خارجه ابراز امیدواری کرد در آستانه ماه مبارک رمضان خشونت‌ها در سوریه پایان یافته و گفت‌وگوهای ملی برای دستیابی به یک راه‌حل صلح‌آمیز آغاز شود. اعضای کمیته پیگیری گفت‌وگوهای ملی سوریه در تهران در این دیدار از جمهوری اسلامی ایران به خاطر کمک به روند راه‌حل سیاسی و ارایه طرح شش‌ماده‌ای و برگزاری کنفرانس گفت‌وگوی ملی سوریه و حمایت از اقدامات و فعالیت‌های این کمیته قدردانی و تشکر کردند.

الو شرق ۸۸۶۴۰۲۶۰

sharghline@sharghdaily.ir

پیامک: ۳۰۰۰۴۶۹۹

● مدتی پیش اتومبیلم دچار نقص فنی شده بود که به یک تعمیرگاه مراجعه کردم و بابت یک قطعه که نیاز به تراشکاری داشت مبلغ ۱۵۰هزارتومان از من گرفتند، مدتی گذشت و متوجه شدم که ماشین مجددا خراب شده و به تعمیرگاه دیگری مراجعه کردم، وقتی آن قطعه را دیدند متوجه شدند که اصلا تراشکاری صورت نگرفته و با چسب دوقلو آن مشکل را حل کرده‌اند. آیا واقعا هیچ سازمانی وجود ندارد که بر تعمیرگاه‌ها نظارت داشته باشد؟

اشراقی از اصفهان

● از مصاحبه آقای بادامچیان تعجب کردم از اینکه فرمودند «شرق» فروش ندارد و شکست راستگرایان و محافظه‌کاران قدیم و اصولگرایان فعلی را قبول ندارند. من ۶۸سال دارم و بازنشته‌ام. ناخالص حقوق دریافتی‌ام ماهانه ۷۳۰هزارتومان است و از ابتدای انتشار «شرق» خواننده روزنامه شما هستم. به جناب آقای بادامچیان عرض می‌شود که حقیر فقط به احترام آقای هاشمی و آقای خاتمی عزیز و به‌عنوان طرفدار اصلاحات به جناب آقای روحانی رای دادم. آیا بنده جزو مردم هستم یا خیر؟

شدتی(فرهنگی‌بازنشسته)

● در روزنامه مطلبی چاپ شده بود با این عنوان که آب دریاچه خزر هشت‌سانتیمتر ظرف شش ماه گذشته پایین رفته، در ضمن می‌دانیم که به دلیل ندادن حقابه دریاچه رضاییه آب آن هم خشک شده. واقعا هنوز هم عبرت نگرفته‌ایم، یک دریاچه کافی نبود؟ مسوولان محترم انتقال آب را از خزر به کویر متوقف کنید، اگر می‌خواهید آب را جابه‌جا کنید چرا از دریاهای جنوب آب را به کویر نمی‌آورید و کویر را آباد نمی‌کنید؟

● در پاسخ به آقای بادامچیان که گفته بودند مردم روزنامه «شرق» را نمی‌خوانند می‌خواستم عرض کنم اگر احیانا بعضی از مردم نمی‌توانند روزنامه «شرق» را بخوانند به دلیل این است که تک‌فروشی روزنامه شرق مجبور است که هزار تومان باشد در حالی که روزنامه‌های نزدیک به شما با استفاده از امکانات ۲۰۰ یا ۳۰۰تومان فروش می‌روند. من که به لطف سیاست‌های همفکران شما مدت‌هاست که با وجود تحصیلات و تجربه کاری بیکار شده‌ام طبیعی است که نمی‌توانم هرروز هزارتومان بدهم و روزنامه بخوانم با این حال اعتماد داریم و خیلی از روزها روزنامه را می‌خوانیم. ای کاش شما تیراژ روزنامه‌ها را مقایسه می‌کردید آن وقت متوجه می‌شدید که مردم «شرق» می‌خوانند یا نه!

یک شهروند

● اسامی یاران روحانی در دولت را خواندم و خیلی امیدوار شدم از اینکه حق به حقدار می‌رسد، به نظرم همه اینها کسانی هستند که می‌توانند مردم را از این مشکلات و وضع موجود نجات دهند.

دکتر محمد